الگوی امامت مسجد؛ «پیش‌نماز» یا «امامِ جماعت»؟

سید محمدحسین راجی

تحقق کارکرد اصیل مساجد در گرو گذار از الگوی «پیش‌نمازیِ صِرف» به «راهبری اجتماعی و پدری معنوی» است. تقلیل نقش امامِ جماعت به اقامه مناسک و خروج سریع از محراب، پیوند نسل نو با نهاد دین را تضعیف می‌کند؛ ضرورتی که تحول در آن برای تمامی ائمه جماعات در مساجد محلات و ادارات حیاتی است، اما در مراکز انسان‌ســاز، به‌ویژه در «دانشگاه‌ها و مدارس»، نقشی تعیین‌کننده دارد. نسل جوان در صورت مشاهده صداقت، صمیمیت و کارآمدی عینی در روحانیت، عمیق‌ترین پیوندها را با مسجد برقرار می‌کند. در ادامه، اصول ده‌گانه این الگو همراه با تجربیات و داستان‌های عینی دانشجویی مرور می‌شود:

۱. حفظ اصالت طلبگی توأم با تواضع و وقار

مخاطبان در تمام مساجد و به‌ویژه نسل جوان در دانشگاه‌ها و مــدارس، بیش و پیش از کلام، به منش و رفتار روحانی می‌نگرند. وقار، اخلاص و تقوای باطنی، اثرگذارترین شــیوه تبلیغ است.امام جماعــت هرگز نباید خود را تافته‌ای جدابافته بداند؛ تکبر و انتظارِ احتــرام یک‌طرفه بزرگ‌ترین دافعــه را دارد، در حالی که تواضع و هم‌رنگ‌شدن با مردم، سنگ‌بنای جذب دل‌هاست.

داستان: یکی از دانشجویان در توصیف منش امام جماعت مسجد دانشگاه می‌گفت: «اخلاص حاج‌آقا واقعاً عجیب بود؛ با اینکه خیلی راحت می‌توانست مشهورتر بشود، ولی هیچ‌وقت برای دیده‌شدن کار نمی‌کرد و حس می‌کردیم خودش را نردبان گذاشته تا بچه‌ها رشد کنند و بالا بروند. اصلاً اهل ادعا و تکبر نبود؛ یادمه یک‌بار دکور مراسم آماده نشده بود، حاج‌آقا معطل نماندند، عبا رو درآوردند و خودشان پابه‌پای بچه‌ها شروع کردند به دکور زدن. روزهای اول ترم هم که ورودی‌های جدید می‌آمدند، با روی گشاده و تواضع تمام به استقبال بچه‌ها می‌رفتند و از آنها دعوت می‌کردند که به مسجد بیایند، بدون اینکه ذره‌ای حس کنی خودشان را از بقیه بالاتر می‌دانند.»

۲. نظم آهنین و مهندسی زمان

ارزش ثانیه‌ها در زندگی انسان معاصر به‌خصوص در محیط‌های علمی، دانشــگاهی و بازاری حیاتی است. امام جماعت باید الگوی انضباط باشــد. اقامه نماز باید ســر وقت و بدون تأخیر انجام شود. ســخنرانی‌های بین دو نماز نیز باید کاملاً مهندسی‌شده، فشرده و مفید (کمتر از ۲ دقیقه) باشــد تا برای مخاطب خستگی و تداخل با برنامه‌هــا و کلاس‌ها ایجاد نکند و مردم بتوانند روی زمان‌بندی مسجد حساب باز کنند.

داســتان: در همین زمینه، یکی از فعالان دانشــجویی در خاطراتش نقل می‌کند:«صحبت‌های بین دو نماز حاج‌آقا همیشه به کوتاهی، پرمحتوایی و رعایت دقیق وقت معروف بود تا وقت کلاس بچه‌ها تلف نشود. یادمه یک بار بین دو نماز چند تا نکته را پشت سر هم گفتند و با شوخی فرمودند: «هرکس بتواند دوباره اینها را تکرار کند، به او یک اســکناس هدیه می‌دهم!» یکی از بچه‌هــا از روی دفترچه خواند و حاج‌آقا گفتند: «از رو دفترچه قبول نیست» ولی اسکناس را دادند! در مورد اقامه نماز هم ثانیه‌ها برایشان مهم بود؛ اذان که تمام می‌شد فوراً نماز را شروع می‌کردند و در ماه رمضان هم برای اینکه روزه‌دارها معطل نشوند، نماز را سبک و با واجبات می‌خواندند تا سریع‌تر سفره افطار پهن بشود.»

۳. کیمیای خوش‌اخلاقی و محبت

خوش‌اخلاقی، کلید اصلی جذب و شرط مقدم بر جهاد تبیین است؛ روحانی‌ای که محبوبیت اخلاقی نداشته باشد، تبیینش نیز نتیجه عکس می‌دهد. امام جماعت نباید پس از نماز پشت به مأمومین در محراب بنشــیند؛ بلکه باید بلافاصله به سمت جمعیت برگردد، چهره‌به‌چهره شود و با لبخند، احترام، هدایای ساده و شوخی‌های ملیح، محبت خود را ابراز کند.

داســتان: یکی از همراهان خوابگاهــی درباره خلق‌وخوی صمیمانه و شوخ‌طبعی امام جماعت تعریف می‌کرد: «شوخی‌های حاج‌آقا در مسجد، اردوها، راهیان نور و اربعین و... همیشه خستگی را از تن بچه‌ها درمی‌آورد؛ در سفر اربعین یک شب لب مرز که کاروان رو متوقــف کرده بودند و اجازه عبور نمی‌دادند، حاج‌آقا با خنده می‌گفتند: «آن شــربتی که توی کانال کمیل خوردید

> **مســجد زمانی پناهــگاه واقعی می‌شود که امام جماعت در متن زندگــی و چالش‌هــای ملموس مخاطبان (ازدواج، اشتغال، مسکن، معیشت، تغذیه و بیماری) حضور فعال داشته باشــد و آبروی خود را برای گره‌گشــایی عینی از کار مؤمنان و محصــلان خرج کند.**

کالی نبود، شربت شهادت بود! اصلاً نگران نباشید، من تا لحظه آخر کنارتانم، فقط اگر اوضاع خیلی وخیم شد قول می‌دهم به خانواده‌هایتان بگویم بچه‌های خوبی بودید!» بعد از آن رفتند و برای کل کاروان پفک خریدند و با شوخی، فضای اعصاب‌خوردی بچه‌ها را به خنده و آرامش تبدیل کردند.»

۴. توانمندی علمی و اطلاعات عمومی به‌مثابه ابزار ارتباط

امام جماعت باید در دو ســطح تســلط داشته باشد: نخست اشــراف کامل بر احکام، تفسیر و حدیث و سایر موارد دینی؛ دوم، داشتن اطلاعات عمومی، آگاهی از رشته‌های تخصصی و مسائل روز جامعه. اطلاعات عمومی- هرچند که برای سایرین فضیلت حساب نمی‌شود- اما برای یک مبلغ دینی ابزار و بهانه ارتباط است تا بتواند با اقشار مختلف به‌ویژه دانش‌آموزان و دانشجویان سر صحبت را باز کرده و با استدلال قوی شبهات‌شان را برطرف کند.

داســتان: یکی از فارغ‌التحصیلان رشته روانشناسی درباره اشراف علمی و استدلال‌های امام جماعت مسجد دانشگاه بیان می‌داشت: «من خیلی روی رفتارهای افراد دقیق می‌شدم؛ شاید بالای ۱۰ بار رفتم کنار حاج‌آقا و دلیل کارهای مختلف‌شــان را پرسیدم و هر بار چنان منطقی، مستند و با روایت جواب می‌دادند

> **خوش‌اخلاقی، کلید اصلی جذب و شرط مقدم بر جهاد تبیین است؛ روحانــی‌ای که محبوبیت اخلاقی نداشته باشد، تبیینش نیز نتیجه عکس می‌دهد. امام جماعت نباید پس از نماز پشــت بــه مأمومین در محراب بنشــیند؛ بلکه باید بلافاصله به سمت جمعیت برگردد، چهره‌به‌چهره شــود و با لبخند، احترام، هدایای ساده و شوخی‌های ملیح، محبت خــود را ابراز کند.**

که دهانم بســته می‌شد. یک بار پرســیدم چرا در قنوت دعای شهادت می‌خوانید؟ چنان با ادله محکم و روایات توضیح دادند که صددرصد قانع شدم. اطلاعات عمومی بالای حاج‌آقا از رشته‌های تحصیلی و موضوعات مختلف باعث می‌شد با هر دانشجویی خیلی سریع پیوند کلامی برقرار کنند.»

۵. حل ابرچالش‌های زیستی و گره‌گشایی عینی (شأن پدری)

امام جماعت موفق کسی است که مأمومین احساس کنند در غیاب او زندگی‌شان دچار خلل می‌شود؛ یعنی شأن پدری در حل مسائل عینی مردم دارد. در محیط‌های جوان (مدارس و دانشگاه‌ها)، امام جماعت باید برای چالش‌های اصلی یعنی ازدواج، مسکن، اشتغال، سربازی و... برنامه داشته باشد و با وساطت، مشاوره و ظرفیت‌سازی گره‌گشایی کند.

داستان: در دست‌نوشته‌های یکی دیگر از دانشجویان پیرامون نقش گره‌گشایی و پدری امام جماعت مسجد آمده است: «حاج آقا واقعاً مثل یک پدر دلسوز بود؛ بچه‌ها اگر مشکل کاری یا مالی داشتند به ایشــون مراجعه می‌کردند و حاج‌آقا برایشان پیگیری می‌کرد؛ یا تلاش می‌کردند تا بعد فارغ‌التحصیلی در مدارس و مجموعه‌ها مشغول به کار بشوند و رها نشوند. در مورد ازدواج هم مسجد شده بود پایگاه معرفی و خواستگاری؛ حاج‌آقا خودشان در مسجد با خانواده‌ها و دختر و پسر جلســه می‌گذاشتند، مشورت و تحقیق می‌کردند و خطبه عقد را می‌خواندند و با جشن‌های عقد ساده و پرتاب داماد با پتو و برف‌شادی، شیرین‌ترین خاطره‌ها را برای ازدواج بچه‌ها می‌ساختند.»

۶. تأمین نیازهای معنوی و منبر درمانگر

منبر و جلسات تفسیر قرآن باید کاربردی، مسئله‌محور و ناظر به دردهای روحی مخاطب باشــد. مخاطب زمانی وقت می‌گذارد و پای سخن امام جماعت می‌نشیند که حس کند این کلام، دارویی برای امراض قلبی (مانند بخل، کینه، حسد، اضطراب و سردرگمی) است و گرهی از مسائل معنوی او می‌گشاید.

داستان: یکی از مراجعان مسجد از تجربه خود در جلسات تفسیر قرآن روایت می‌کرد: «چند وقتی بود از نظر روحی خیلی اذیت شده بودم و یک بنده خدایی ناجوانمردانه اذیتم کرده بود؛ شدیداً دنبال انتقام بودم و نقشه می‌کشیدم. یک شب رفتم جلسه تفسیر حاج‌آقا در مســجد، موضوع آن جلسه دقیقاً «عفو و بخشش» بود و اینکه کجا باید گذشت کرد. صحبت‌های حاج‌آقا چنان روی قلبم نشست که احســاس کردم این منبر دقیقاً برای درمان حال من برپا شده؛ همان شب آن شخص رو بخشیدم و بعد از ماه‌ها یک حس رهایی و آرامش واقعی پیدا کردم.»

۷. پیگیری و حل مشکلات مادی و رفاهی مخاطبان

رسیدگی به نیاز معنوی نباید موجب غفلت از نیاز مادی شود. امام جماعت باید آبرو و اعتبار اجتماعی خود را خرج کند تا با شبکه‌سازی میان خیّرین، اساتید و مسئولان، مشکلات معیشتی، صنفی و درمانی نیازمندان و محصلین کم‌بضاعت حل شده و کرامت مؤمن حفظ شود.

داســتان: یکی از اعضای تشــکل‌ها پیرامون دغدغه‌مندی

> **هرچند الگــوی امــامــت مسجــد برای تمام مساجد محلات، بازار و ادارات راهگشاست اما در مراکز انسان‌ساز و آینده‌پرداز، به‌ویژه در دانشگاه‌ها و مدارس، ضرورتی حیاتی دارد. معیار توفیق یک امام جماعت، تنها شمار نمازگزاران حاضر در صفوف فریضه نیست؛ بلکه میزان اعتمادی است که جوانان به او به عنوان یک «تکیه‌گاه امین» دارند و تأثیری است که پس از سلامِ نماز در گره‌گشایی از ذهن، دل و زندگی آنان جاری می‌شود.**

مادی و رســیدگی‌های امام جماعت مســجد یادآور می‌شــد: «حاج‌آقا همیشه تأکید داشــتند که هوای بچه‌های خوابگاه را از نظر رفاهی داشــته باشــیم. یادمه اول ترم‌ها که ورودی‌های جدید هنوز نمی‌توانســتند غذا رزرو کنند، بچه‌های مسجد به سفارش حاج‌آقا غذاهای خودشان را می‌بردند خوابگاه و به آنها می‌دادند تا گرسنه نمانند. یک دفتری هم داشتیم که خرابی‌ها و مشــکلات تأسیساتی اتاق‌های خوابگاه را یادداشت می‌کردیم و از سرپرستی پیگیری می‌کردیم تا حل بشود. اگه دانشجویی هم مریض می‌شد، به سفارش ایشان با هدیه و کتاب می‌رفتیم عیادتش تا حس غربت نکند.»

۸. خلق زیست جمعی و صمیمیت

برنامه‌های جمعی و مشارکتی مانند سفره‌های افطاری ساده با اتکا به کمک‌های مردمی و خودِ جوانان، اثری به‌مراتب عمیق‌تر از سـخنرانی‌های مکرر در ایجاد محبت دارد. کارِ گروهی در مسجد، اردوهای جهادی و برنامه‌های زیارتی، حس تعلّق و خانواده بودن را در مخاطبان زنده می‌کند.

داســتان: یکی از دانشجویان ورودی جدید در توصیف فضای دلنشــین و دورهمی‌های مسجد می‌گفت: «ماه رمضان‌ها با ابتکار حاج‌آقا ســفره‌های ســاده معروف به «افطاری پرچمِ فلسطین» (یعنی پنیر، ســبزی، گوجه، خرما؛ به رنگ پرچم فلسطین) پهن می‌شد. بچه‌ها از ساعت‌ها قبل با وضو دور هم می‌نشستند، مداحی می‌گذاشــتند، ســبزی پاک می‌کردند و می‌خندیدند. فضا آن‌قدر صمیمی و خاکی بود که دانشجوهایی که حتی اهل مسجد و نماز هم نبودند می‌آمدند و داوطلبانه کتری‌های چای را می‌چرخاندند و سینی‌های سوپ را پخش می‌کردند. شب‌های عید غدیر هم دور هم حلقه می‌زدیم، حاج‌آقا عقد اخوت می‌خواندند و بچه‌های حاج‌آقا دست‌به‌دست به همه اسکناس نو عیدی می‌دادند.»

۹. نوآوری و خلاقیت در تبلیغ و فضاسازی

پرهیز از کلیشــه‌های تکراری و بهره‌گیری از هنر، المان‌های بصری جذاب و قالب‌های تعاملی، انگیزه حضور افراد به‌ویژه نوجوانان و جوانان را چندبرابر می‌کند. تابلوی اعلانات مسجد نباید کهنه باشد؛ طرح‌های نوین امانت کتاب و سازه‌های نوآورانه معرفتی، مسجد را به محیطی شاداب بدل می‌کند.

داســتان: یکی از دســت‌اندرکاران فرهنگی درباره ابتکارات تبلیغی امام جماعت مسجد دانشگاه تعریف می‌کرد: «یادمه یک شب بعد از نماز، دیدیم حاج‌آقا عبا را درآوردند و گفتند: «امشب می‌خواهیم یک سازه هنری بسازیم برای کتاب‌هایی که رهبری معرفی کردند!» خودشان رفتند پشت سیستم، طرح را با فتوشاپ زدند، با پرژکتور انداختیم روی آکاسیو و با سیم داغ برش دادیم و روی دیوار نصب کردیم. یا طرح‌های دیگری مثل چیدن کتاب‌ها در صفوف نماز کنار مُهرها که بچه‌ها قبل اذان ورق بزنند و امانت ببرند و نصب تابلــوی انتقادات «پا تو کفش» که هرکس علنی نقدش را می‌زد و همه می‌توانستند بخوانند.»

۱۰. انقلابی‌گری اصیل، فراجناحی و انسان‌ساز

انقلابی بودن اگر به دور از تنگ‌نظری‌ها و جناح‌بازی‌های حزبی باشد، جاذبه‌آفرین است. موضع‌گیری در بحران‌ها، تبیین مسائل روز جهان اسلام و ادعیه پرحرارت، به مسجد حیات می‌بخشد.خطبه‌ها و منابر باید انسان‌ســاز، شجاعت‌آفرین و پیونددهنده نسل جوان با فرهنگ مقاومت و شهادت باشد.

داســتان: در روایتی دیگر از یکی از دانشجویان درباره روحیه حماسی حاکم بر فضای مسجد آمده است: «مسجد دانشگاه یه سنگر واقعی و زنده بود؛ صحبت‌های بین دو نماز پر از نکات روز، تحلیل‌های ضداستکباری، روشنگری در فتنه‌ها و ماجراهای شهری و تجمعات در حمایت از چهره‌هایی مثل شــیخ زکزاکی بود. بعد از نماز عشاء رسم بود که همه با هم تکبیر را پرشور و تا آخر می‌گفتند. قنوت‌های نماز هم با دعای شــهادت جهت‌دار بود. در کنارش هم روضه‌های بصیرتی و خواندن سرودهای دسته‌جمعی حماسی آخر هیئت بود که به دانشجوها هویت انقلابی و آرمانی می‌داد.»

بازگشت مسجد به طراز تمدن‌ساز و پناهگاه نسل جوان

تحقق مسجد طراز اســلامی در گرو گذار از الگوی تک‌بعدی «پیش‌نمازی صِرف» و حرکت به سوی «امامت جامع، پدری معنوی و راهبری اجتماعی» است. بررسی اصول ده‌گانه و تجربیات زیست میدانی نشــان می‌دهد که جذب نسل نو و اقشار مختلف مردم، با

> **تحقق مسجد طراز اسلامی در گرو گــذار از الگوی تک‌بعدی «پیش‌نمــازی صِرف» و حرکت به ســوی «امامت جامع، پدری معنوی و راهبری اجتماعی» است.**

انزوا، مناسک‌گرایی خشــک یا نصیحت‌های کلیشه‌ای امکان‌پذیر نیست؛ بلکه نیازمند منظومه‌ای به هم پیوسته از رفتارهای حکیمانه در چهار ساحت اصلی است:

۱. ساحت اخلاقی و شــخصیتی (جاذبه فردی): حفظ تقــوا و وقار اصیل طلبگی همراه با تواضع بی‌پیرایه، خوش‌اخلاقی، شوخ‌طبعی‌های ملیح و ارتباط چهره‌به‌چهره پس از نماز، تصویری امن، صمیمی و دسترس‌پذیر از دین و روحانیت در ذهن مخاطب می‌سازد.

۲- ساحت مدیریتی و مهارتی (نظم و خلاقیت): ارزش نهادن به ثانیه‌های مخاطب با نظم دقیق در اقامه نماز، سخنرانی‌های فشــرده و کاربردی بین‌الصلاتین (در حد ۲ دقیقه)، و اســتفاده از قالب‌های بصری نو و هنر در فضاســازی مسجد، محیط را از رکود نجات داده و به فضایی پویا و منظم تبدیل می‌کند.

۳. ساحت زیستی و اجتماعی (کارآمدی و شأن پدری): مسجد زمانی پناهگاه واقعی می‌شود که امام جماعت در متن زندگی و چالش‌های ملموس مخاطبان (ازدواج، اشتغال، مسکن، معیشت، تغذیه و بیماری) حضور فعال داشــته باشــد و آبروی خود را برای گره‌گشایی عینی از کار مؤمنان و محصلان خرج کند.

۴. ســاحت معرفتی و هویتی (عمق علمی و روحیه حماسی): منابــر و جلسات تفسیر باید مسئله‌محور و درمانگر امراض روحی و شبهات فکری باشند. همچنین دمیدن روحیه انقلابی اصیــل، آرمان‌خواهی فراجناحی و بصیرت سیاســی، هویت جمعی را تقویت کرده و انســان‌هایی شجاع و اهل اقدام تربیت می‌کند.

کلام آخر

هرچند این الگو برای تمام مســاجد محلات، بازار و ادارات راهگشاســت، اما در مراکز انسان‌ســاز و آینده‌پرداز، به‌ویژه در دانشگاه‌ها و مدارس، ضرورتی حیاتی دارد. معیار توفیق یک امام جماعت، تنها شمار نمازگزاران حاضر در صفوف فریضه نیست؛ بلکه میزان اعتمادی است که جوانان به او به عنوان یک «تکیه‌گاه امین» دارند و تأثیری است که پس از سلامِ نماز در گره‌گشایی از ذهن، دل و زندگی آنان جاری می‌شود.

از: فارس

چراغ راه

ارزش‌گذاری با شاخص‌های رفتار انسانی

قالَ الإمامُ الصادقُ(ع): «لا تَنظُروا إلی طولِ رُکوعِ الرَّجُلِ وسُجودِهِ، فإنّ ذلکَ شَــیءٌ قدِ اعتادَهُ، فلو تَرَکَهُ استَوحَشَ لِذلکَ، ولکِنِ انظُروا إلی صِدقِ الحَدیثِ وأداءِ الأمانَةِ.».

امام صادق(ع) فرمود: (برای ارزش‌گذاری اعمال) به طول دادن رکوع و سجود شــخص توجه نکنید؛ زیرا ممکن است به آن عادت کرده است و اگر آن را ترک کند، دچار وحشت شود، ولی به راستی گفتار و ادای امانت او نگاه کنید.[1]

۱- الکافی، ج ۲، ص ۱۰۵

حکایت خوبان

طواف نیمه‌تمام برای رفع حاجت مؤمن

امام حسین(ع) و «ابن‌عباس» در حال طواف خانه خدا بودند که یک نفر نزد امام حسین(ع) آمد و گفت: ای فرزند رسول خدا! من به فلانی قرضی دارم. اگر می‌توانی، قرض من را ادا کن. امام حسین(ع) فرمودنــد: الان هیچ چیزی ندارم. آن مرد گفت: پس از طلبکار من مهلت بخواه؛ زیرا مرا به حبس تهدید کرده اســت. امام حسین(ع) طواف خود را قطع کردند و با بدهکار روانه شدند تا برای او وساطت کنند. «ابن‌عباس» به امام حسین(ع) عرض کرد: آیا فراموش کردی که معتکف هستی؟! امام حسین(ع) فرمودند: خیر، فراموش نکرده‌ام، ولی از حضرت محمد(ص) شــنیدم که می‌فرمود: هر کس حاجت مؤمنی را برآورده سازد، همانند کسی است که نه هزار سال همه‌روزه روزه‌دار باشد و هر شب برای عبادت قیام کند.[1]

۱- عدة الداعی و نجاح الساعی، ص ۲۳۲

پرسش و پاسخ

هویت مشترک انسانی(۲)

پرسش:

انســان‌ها با قطع نظر از اختلافات دینی، عقیدتی و اندیشه‌ای که با یکدیگر دارند، در بُعد انسانی چه مشترکاتی با هم دارند که در پرتو آنها می‌توانند یک زندگی اجتماعی انسانی سالم و به دور از تنش داشته باشند؟

پاسخ:

در بخش نخســت پاسخ به این ســؤال به مباحثی همچون: اساس تعامل با همنوعان و شاخص‌های هویت مشترک انسانی شامل: ۱-انسان موجودی عقلانی است؛ ۲- انسان موجودی عاطفی است؛ ۳- انسان موجودی دارای اراده و اختیار است، پرداختیم. اینک در بخش پایانی دنباله مطلب را پی می‌گیریم.

۴-انسان موجودی پویا و سخت‌کوش است

یکی‌دیگر از خصائص مشترک انسان‌ها، ویژگی تحرک، پویایی و سخت‌کوشی آنها است که بر این اساس هیچ‌گاه انسان‌ها را در حالت سکون و بی‌تحرکی و ثبات نمی‌توان یافت، اگرچه ممکن است شدت و ضعفی را در نوع و چگونگی حرکت آنها مشاهده کرد، اما ایستایی و بی‌تحرکی مطلقاً در قاموس انسان‌ها جایگاهی ندارد.

پویایی انسان در قرآن و روایات

۱- «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنسَــانَ فِی کَبَدٍ» به‌راستی ما انسان را چنان آفریدیم که با رنج و سختی دست‌به‌گریبان است. (بلد- ۴)

۲- قــالَ الإمامُ علی(ع): «الحَیّ لا یَکتَفی» موجود زنده، دســت (از تلاش) برنمی‌دارد. (غررالحکم، ج ۱، ص ۴۳۹)

۵-انسان موجودی دارای بینش و گرایش است

انسان‌ها در اصل برخورداری از خصائص بینش و گرایش با یکدیگر مشترک بوده، اما در نوع و چگونگی این بینش‌ها و گرایش‌ها با یکدیگر متفاوت و متمایز می‌باشند. بنابراین همه انسان‌ها به نوعی دارای بینش و گرایش در شاکله خلقتی خود هستند.

بینش‌ها و گرایش‌ها در قرآن و روایات

۱- «لِکُلٍّ جَعَلْنَا مِنکُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا، وَلَوْ شَاءَ اللهُ لَجَعَلَکُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً، وَلَکِنْ لِیَبْلُوَکُمْ فِی مَا آتَاکُمْ» برای هر یک از شما (امت‌ها در زمان خود)، شریعت و راه روشنی قرار دادیم، و اگر خدا می‌خواست شما را یک امت قرار می‌داد، اما خواست شما را در آنچه به شما داده است بیازماید. (مائده- ۴۸)

۲-قالَ الإمامُ علی(ع): «الخَلقُ أشکالٌ، فَکُلٌّ یَعمَلُ عَلی شاکِلَتِهِ» مردمان دارای نوع‌ها (و ساختارها)یی هستند، و همه‌کس طبق ساختار (روانی و بدنی) خود عمل می‌کنند. (بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۸۲)

۶-انسان برخوردار از نعمت بیان است

ارتباطات انسان‌ها در جوامع، براساس نعمت بیان میان آنها حاصل می‌گردد. این وجه مشترک همه انسان‌ها است که خواسته‌ها و نیازهای خود را با یکدیگر بر مبنای همین نعمت بیان اظهار می‌دارند و می‌توانند در کنار یکدیگر در صلح و صفا و همکاری و هماهنگی کامل زندگی کنند.

نعمت بیان در قرآن و روایات

۱- «خَلَقَ الْإِنسَانَ، عَلَّمَهُ الْبَیَانَ» خداوند رحمان انسان را آفرید، و به او بیان (سخن گفتن روشن) را آموخت. (الرحمن- ۳ و ۴)

۲-امام صادق(ع) به «مفضل» می‌فرماید: «ای مفضل! بیندیش در این نعمت که خداوند سبحان به انسان داده است. یعنی این قوه بیان (و نطق) که آنچه در دل دارد، و آنچه در درونش خطور می‌کند، و آنچه به فکرش می‌رســد، همه را بازگو می‌کند. و به کمک همین نطق اســت که آنچه را دیگران در درون دارند می‌فهمد... پس بی‌تردید اگر انسان زبانی آماده برای پردازش کلام نداشت، و او را ذهنی نبود که در امور (زندگی) راهنمای او باشد، هرگز نمی‌توانست سخن بگوید. (بحارالانوار، ج ۳، ص ۸۲)

۷-انسان برخوردار از فطرت الهی است

انسان‌ها به لحاظ تکوینی، موجودی هستند که براساس فطرت الهی آفریده شده‌اند. فطرت در لغت به معنی نوعی خاص از خلقت است که خدای متعال همه انســان‌ها را با همان نوع خاص آفریده است. با این مبنای فطرت الهی، انسان‌ها خــداآگاه و خداجو و کمال مطلق‌طلب و خیرخواه و حقیقت‌طلب و جمال‌طلب هستند که این گرایش‌ها در درون آنها با فطرت الهی نهادینه شده است.

فطرت الهی در قرآن و روایات

۱- «فَأَقِمْ وَجْهَکَ لِلدِّینِ حَنِیفًا، فِطْرَتَ اللهِ الَّتِی فَطَرَ النَّاسَ عَلَیْهَا، لَا تَبْدِیلَ لِخَلْقِ اللهِ» پس با میانه‌روی و نیز با همه وجودت به دین اسلام رو بیاور؛ با همان سرشتی که خدا مردم را براساس آن آفریده است. (الروم- ۳۰)

۲- قالَ الإمامُ الصادق(ع): «إِنَّ اللهَ عَزَّوَجَلَّ خَلَقَ النَّاسَ کُلَّهُمْ عَلَی الْفِطْرَةِ الَّتِی فَطَرَهُمْ عَلَیْهَا» همانا خدای عزوجل همه مردم را با همان فطرتی الهی که آفریده، خلق کرد. (کافی، ج ۲، ص ۴۹)

سلوک عارفانه

امام صادق(ع)، نماد وحدت اسلامی

تمام امام‌های اهل تســنن یا بلاواســطه و یا مع‌الواسطه شاگرد امام صــادق(ع) بوده و نزد امام شــاگردی کرده‌اند. امروز خیلی از علما در دنیا هســتند که با اینکه با مذهب تشیع فوق‌العاده دشمن و مخالف‌اند، ولی برای شــخص امام صادق(ع) که این مذهب به او منتسب است، احترام قائل‌اند.[1]

۱- مجموعه آثار شهید مرتضی مطهری(ره)، «سیری در سیره ائمه اطهار (ع)»، ج ۱۸، ص ۷۳

شبهه ها و پاسخ ها

وظیفه فرزند به هنگام بدگویی مادر از پدر

شــبهه: مادرم از پدرم بدگویی می‌کند، نه می‌توانم کلامش را قطع کنم و نه می‌توانم گوش بدهم، چکار باید بکنم؟

پاســخ: بدگویی والدین از یکدیگر در حضور فرزند، یکی از تعارضات اخلاقی برای فرزندان است. این معضل، فرزند را میان دو تکلیف- نیکی به یکی و پرهیز از ظلم به دیگری- سرگردان می‌کند. واکنش نادرست در چنین شرایطی، ممکن است به تشدید کدورت‌ها و آســیب به کرامت والدین و یا افتادن در دام گناه منجر شــود، از این رو، گام‌گذاشتن در مسیری اخلاقی ضروری است که در ادامه نکاتی برای این منظور پیشنهاد می‌شود.

۱- بررسی، کشف و رفع زمینه‌ها و علت‌ها

پیش از هر واکنشــی، لازم است با دیدی واقع‌بینانه و فارغ از قضاوت، به ریشه‌یابی زمینه‌ها و علت‌های رفتار مادر بدگو پرداخت؛ زیرا تغییر رفتار، بدون شــناخت علتِ آن، ممکن و پایدار نیست. بدگویی معمولاً معلول یک یا چند عامل زیر است که باید ضمن شناخت آنها، برای رفع آنها کوشید.

الف) اختلاف سلیقه یا روش زندگی:

اگر علت بدگویی، اختلاف سلیقه در سبک زندگی و کارهای روزمره است، پیشنهاد شود پدر با احترام به سلایق مادر، در حد ممکن همراهی کند و در موارد اختلاف، به‌جای تحکم، با صبوری و استدلالی محترمانه، دیدگاه خود را توضیح دهد.

ب) نادیده گرفته‌شدن نیازها:

ممکن اســت علت بدگویی عدم توجه به نیازهای مادر باشد. برای این منظور از پدرخواسته شود به‌گونه‌ای غیرمستقیم و با حفظ کرامت او که به نیازهای همسرخود چه مادی و چه عاطفی توجه بیشتری داشته باشد و برای رفع آنها گام بردارد.

ج) مقابله‌به‌مثل:

ممکن است علت بدگویی، مقابله‌به‌مثل باشد، چون تجربه رفتار آزاردهنده از طرف همسر داشته است. در این موارد بهتر است به هــر دو پدر و مادر هرچند به نحو غیرمســتقیم و توأم با احترام فهمانده شود که حفظ احترام دیگری و پرهیز از تکرار رفتار غلط، بایسته و اخلاقی است.

د) انتظارات افراطی:

ممکن اســت علت بدگویی انتظارات غیرمعقول مانند توقع تبعیت محض، یا درخواســت‌های غیرمعقول یا خارج از حد توان همســر باشد که در این موارد، بهتر است در عین حفظ حرمت و کرامت او، با نرمی و استدلال، نظر درست یا کار درست یا انتظار معقول، مورد اشاره و تأکید قرار گیرد.

ه) تظلم‌خواهی:

ممکن اســت علت بدگویی، شکایت از ظلم (تظلم) باشد که تلاش می‌کند برای رفع ظلمی که از طرف همسر (پدر) به او (مادر) شده است به بیان آن بپردازد. در این مورد اگر بدگویی چنین علتی دارد، اولاً باید توجه شود که غیبت محسوب نمی‌شود[1] و ثانیاً فرزند باید تلاش کند این ظلم را در صورت توان به یک شکلی رفع (از بین بردن زمینه‌ها) یا دفع کند.

> **فرزند در برابر والدین، وظایف سنگینی چون حفظ حرمت، احسان، نیکی و اطاعت در معروف دارد که حتی در شرایط ناخوشایند نیز ساقط نمی‌شود. خداوند متعال در خصوص احترام به پدر و مادر تعبیر دقیقی به‌کار برده و فرموده است: «به آنها [حتی] «اُف» مگو و به آنان پرخاش مکن و با آنها سخنی شایسته بگوی.»**

۲- انجام وظیفه فرزندی همزمان با عدم تأیید بدگویی

فرزند در برابر والدین، وظایف ســنگینی چون حفظ حرمت، احســان، نیکی و اطاعــت در معروف دارد که حتی در شــرایط ناخوشایند نیز ساقط نمی‌شود. خداوند متعال درخصوص احترام به پدر و مادر تعبیر دقیقی به‌کار برده و فرموده اســت:« فَلَا تَقُل لَّهُمَــا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُل لَّهُمَا قَوْلاً کَرِیمًا؛ به آنها [حتی] «اُف» مگو و به آنان پرخاش مکن و با آنها سخنی شایسته بگوی.»[2]

بنابراین، هرگز نباید با برخوردی تند، پرخاشگرانه یا تحقیرآمیز، شــأن مادری او را خدشه‌دار کرد، حتی اگر گمان می‌رود مادر در حق پدر یا خود فرزند کوتاهی کرده است. به‌عنوان‌مثال قطع کردن مدام و فوری کلام مادر، بی‌احترامی به او است، در عوض، می‌توان با ادب کامل و لحنی آرام، گوشی شنوا داشت، اما همزمان با سکوتِ محترمانه یا پاسخ‌هایی خنثی (مانند «متوجه ناراحتی شما هستم») نشان داد که محتوای تهمت‌آمیز یا ناروا را تأیید نمی‌کند.

۳- پرهیز از تشدید تنش

در چنین شرایطی، هر نوع واکنش تند، مقابله‌به‌مثل، یا حتی اخم و ناراحتیِ شدیدِ چهره و خیره نگاه کردن به مادر که در جای خود از مصادیق آزار والدین است[3]، می‌تواند به‌منزله سوخت‌رسانی به آتش بدگویی باشد. به‌جای آن، باید با مدیریت لحن صدا، پرهیز از نگاه‌های خیره پرخاشگرانه و استفاده از عبارت‌های همدلانه کلی مانند «می‌دانم این موضوع برایتان آزاردهنده است»، فضای روانیِ امنی ایجــاد کرد تا مادر بتدریج از حالت تهاجمی خارج شود. ایجاد مکث‌های کوتاه، پیشنهاد تغییر مکان یا زمان گفت‌وگو مثلاً «اجازه دهید کمی بعد باحوصله بیشتری صحبت کنیم»، ازجمله راهکارهای مؤثر برای خنثی‌ســازی افزایش تنش است.

۴- تلاش برای اصلاح تصویر ذهنی

به‌جای دفاع مســتقیم، می‌توان در فرصت‌های مناسب غیر از زمان بدگویی، با ذکر خاطــرات مثبت، خدمات و دغدغه‌های واقعی پدر نســبت به خانواده، به‌آرامی زاویه دید مادر را به سمت واقعیت‌های نیکوتر سوق داد. برای نمونه، یادآوری محبت‌های پدر، زحمات اقتصادی او، یا نگرانی‌هایش برای سلامت مادر، می‌تواند به‌مرور تصویر ذهنیِ مخدوش را بازسازی کند، اما این کار باید با ظرافت تمام و به‌گونه‌ای انجام شود که مادر احساس نکند فرزند در حال درس‌دادن یا سرزنش اوست، بلکه صرفاً دارد تصویر کامل‌تری از یک انسان را به او نشان می‌دهد.

۵- تغییر موضوع گفت‌وگو با حفظ همدلی

در لحظه بدگویی، به‌عنوان یک شــنونده فعال، ابتدا با رفتار محبت‌آمیز یا گفتار در قالب جملاتی کوتاه و همدلانه (بدون تأیید محتوای بدگویی)، به مادر بفهماند که ناراحتیِ او را درک کرده است؛ سپس با ظرافت و بدون ایجاد بریدگیِ ناگهانی، موضوع را به سمت راهکارهای مثبت، مسائل روزمره دیگر، یا حتی پیشنهاد فعالیتی خوشــایند تغییر دهد. برای مثال: «مادر جان، حق دارید ناراحت باشید؛ راستی امروز برنامه خاصی برای غذای نا